

■ حضرت امیر المؤمنین علی؛

بنده مسلمان با خوش اخلاقی خود به درجه روزه گیر شب زنده دار می رسد.

■ اذان ظهر: ۱۲:۱۱ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۱۶  
■ اذان مغرب: ۱۹:۳۶ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۱  
■ اذان صبح فردا: ۳:۳۶ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۰۶

■ پذیرش آگهی:

■ توزیع و اشتراک:  
■ موسسه نشر گستر امروزیون  
■ تلفن: ۹۱۲۰۹۱۴۲

■ چاپ: همشهری

■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ع.ج)، کوچه شهید سیدکمال فریخی، شماره ۱۴  
■ کد پستی: ۴۵۹۵۶-۱۶۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶  
■ تلفن: ۲۲۰۲۶۰۶۷، ۲۳۰۲۳۰۰۰، ۲۳۰۲۳۰۰۰۰■ همشهری: www.hamshahrionline.ir  
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

# همشهری

صفحه  
آخرای صبا گر به جوانان چمن با زسی  
خدمت ما بر سران سرو و گل و ریحان را  
حافظ■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان  
■ سر دبیر: دانیال معمار■ دبیر فرهنگی: امیر اخداداد  
■ دبیر حوادث: جواد عزیزی  
■ دبیر بین الملل: حسین آرجلو  
■ دبیر جامعه: عیسی محمدی  
■ دبیر زیست بوم: محمد یارکایی  
■ دبیر ورزش: سید هرا عباسی  
■ دبیر دانش و فناوری: محمد کرباسی  
■ دبیر ورزشی: امیر محمد یعقوب پور  
■ دبیر همشهری جمع: پروانه بهرام نژاد  
■ دبیر صفحه آخر: مسعود میر  
■ دبیر عکس: فرشاد عباسی

شهر من

## قالب های عاشورایی



از ابتدای ماه محرم، اگر دقت کرده باشید در شهر تهران به جز پرچم های عزاداری حسینی، بیلبردهای متفاوتی را دیده اید که عناصر مرتبط با فرهنگ عاشورا و محرم و کتیبه های خطی قدیمی مرتبط با این ایام در آنها به نمایش در آمده که کتیبه ها اشعار شاعران سوگوار حسینی را یادآور می شوند. آرزوی یاد «نگارخانه عاشورایی تهران» و «کتیبه های خطی اشعار عاشورایی» محرم امسال حال و هوای دیگری به پایتخت بخشیده و تصویری از مضامین عاشورایی و اشعاری در وصف امام حسین (ع) و ایام سوگوار محرم، فضاهای شهر تهران را آماده برگزاری مراسم سوگوار سید و سالار شهیدان امام حسین (ع)، حضرت عباس (ع) و یاران باوفایشان کرده است. این دو رویداد که به همت سازمان زیباسازی شهر تهران برگزار شده، تنها برنامه های شهری ماه محرم نیست و علاوه بر اینها، رویداد نقاشی خط «شان عاشقی» و پارچه نویسی «کتابان سوگ» نیز رازبان هنر و فرهنگ عاشورایی در شهر هستند که در این ماه برگزار می شوند. در رویداد «شان عاشقی» بیش از ۳۰۰ اثر منتخب نقاشی خط (کالیگرافی) توسط هنرمندان روی علم های عاشورایی نقاشی و خطاطی شده که در سطح شهر تهران اکران شده است. در رویداد «کتابان سوگ» که خطاطی اشعار عاشورایی روی پارچه هاست نیز ۵۰ هنرمند، ۵۰ اثر را با استفاده از اشعار محرم و عاشورایی کتابت کرده اند که در فضای شهری پایتخت به نمایش گذاشته شده است. همچنین اثر حمزه بن السیدین ایام محرم در بیشتر استان ها آغاز شده شهدای گمنام دریاچه چیتگر از دیگر خلاقیت های اداره نور و مبلغان شهری سازمان زیباسازی شهر تهران است که برای ایام سوگوار سید و سالار شهیدان اجرا خواهد شد.

قالب عزا

## هیاهوی مقدس

حیدررضا محمدی

عزاخانه ای مصور

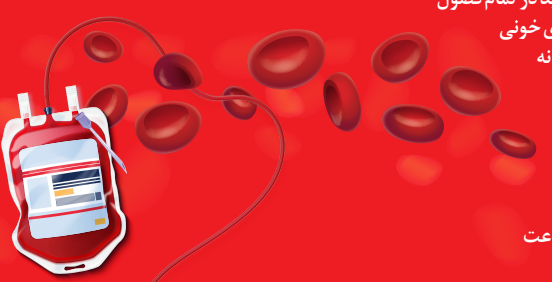
باشند، یک گالری عاشورایی با در و دیواری سباهوش در این روزهای منتهی به یوم الحزن می خواهیم برپیم به دل تاریخ سوگوار ایرانیان معاصر به قدر و قد یک ونیم سده اخیر و لایه لایه آلبوم عزاداری گذشتگانمان توری کنیم. نیت کرده ایم با این مقصود و منظور تا هم خاطر به بازی کرده باشیم و هم سوری جر خاندن و نقی زده باشیم به نسل پدران مان. به احترام و احتشام همه سینه زان حسینی در دهه اول محرم اینجا چراغ ماتمکده ای از جنس قالب عکس روشن است.

«تیمچه مظفریّه» را چشم نواز ترین قسم بازار تبریز توصیف کرده اند. مأمّن فروش فرش این خطه که چون در اواخر روزگار ولی عهدی مظفر الدین شاه، در سال ۱۳۰۵ قمری، یعنی ۸ سال پیش از ترو و سلطان صاحبقران و ۱۹ سال

خوش خیر

قبل از امضای فرمان مشروطه به دست سرمایه دار نامدار، حاج شیخ محمدجعفر امینی قزوینی بنا شد. مظفریّه نامش نهادند و این عکس عاشورایی «علی خانی والی» باید پس از تاریخ بوده باشد. اگر چه به گواه تاریخ، او در بهمن ۱۲۹۸ قمری (۱۲۶۰ خورشیدی) در فاصله میان حکومت مازندران و ارومیه، چند ماهی را در تبریز گذراند اما چون بر بالای عکس، به خطی خوش، عبارت «تیمچه مظفریّه» ذکر شده، باید زمان عکس را به عاشورای سال های سیس تر و تا پیش از سال ۱۳۱۲

خون در چند استان کشور با افزایش دمای هوا، میزان مراجعه کنندگان کاهش پیدا می کند؛ در حالی که بیمار آن تالاسمی، دیالیزی ها، سرطانی ها و هموفیلی ها نیازمند خون هستند. این را هم باید بدانیم که نیاز به خون همیشگی است و با توجه به اینکه بیماری و عمل جراحی دائمی است، اهدای خون هم باید در تمام فصول استمرار داشته باشد. برخی فرآورده های خونی مانند پلاکت هم باید به صورت روزانه تهیه شود. پلاکت فرآورده ای است که برای بیماران سرطانی و بیمارانی که خونریزی دهنده را می هستند استفاده می شود و عمر پلاکت در این کیسه های خون و دمای محیط ۳ روز بیشتر نیست و باید در همان ۶ ساعت



## نذر سرخ

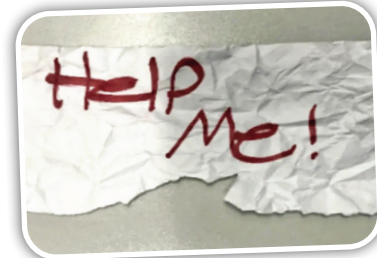
بارها گفتیم و امروز در جای جای کشورمان داریم دست به دست هم ثابت می کنیم که عشق به ابا عبدالله (ع) فقط عزاداری و اشک نیست. محرم بهانه شروع برای انتشار هر چه خیر و خوبی است. در این دنیا و این ماه برایمان مکتب عشق است و ابا عبدالله دبیر و سفیر این مهر و مهربانی. این بار هم به عشق حسین (ع) زندگی می بخشیم و خون می دهیم. بوی نذر خون با شعار «اهدای خون، فرهنگ حسینی نزد عاشقان» همزمان با فرارسیدن ایام محرم در بیشتر استان ها آغاز شده و نجات بخش زندگی افرادی باشیم که حیاتشان وابسته به اهدای خون است. به گفته مدیر کل انتقال

کتابخانه تابستان

## صراحت نویسنده ای مرده

فاطمه اشرف  
علاقه من است. اگر کتابفروشی برایم غریبه باشد و تابلو و راهنمایی نداشته باشد، دنبال اسم مارکز بزرگ می گردم، آن را که پیدا کنم حوالی اش می شود محدوده دلخواهم. چرخ می زوم و از دین نام ها و کتاب های قدیمی و قبلا خوانده شده، همان اندازه به وجد می آیم که از کتاب های تازه.  
حدودا یک سال پیش در کتابفروشی محل، طبقه ادبیات لاتین را نگاه می کردم که مردی جوان نزدیک آمد. نمی شناختمش اما برخوردش معرفی اش کرد. پرسید: «به ادبیات آمریکای لاتین علاقه دارید؟» سرم را به نشانه تأیید تکان دادم و فهمیدم مسئول تازه بخش کتاب بزرگسال است.  
گفت: «از ماشادو داسیس چیزی خوانده اید؟» گفتم: خیر و او شبیه ماهیگیری که طعمش لقمه دندان گیری بوده، سریع کتابی را از بین «بازی پدر سالار» و «کینکاس بوربا» بیرون کشید و مستم گرفت: «بوی بخونید، دمام می کشید. نام رموز کتاب که «خاطرات پس از مرگ براس کوپاس» بود و جلدی که ۱۳۲ صفحه شیبه فرشته یا ۱۳۳ صفحه انسان نما را نشان می داد، من را مرد کرد. پرسیدم: «ترسناک؟» خندید و تأکید داشت رمانی عاشقانه پیشنهاد داده است که اگر یک صفحه از آن را بخوانم ادامه ندانش سخت تر از ادامه دانش است. توضیحات خوبی بود، اما آن چیزی که قانع کرد کتاب را بخرم نام مترجم بود. نام عبدالله کوری از آن کدهایی است که اگر روی کتابی ببینم نیم بیشتری از مسیر انتخاب را رفته ام. کتاب را شروع کردم. اطلاعاتی که مسئول کتابفروشی داده بود، در دست بود؛ خاطرات پس از مرگ براس کوپاس، رمان گری است که راوی مرده آن را در ۱۶۰ فصل کوتاه نوشته است و هر چند کتاب از سر فراغت نوشته شده، آن هم با فراغت آدمی که دیگر دلشوره گریز زمان را ندارد، اما خواندنش راحت است. من در مسیر خواندن این کتاب بود که به خط کشیدن و هایلایت کردن جملات رو آوردم. اینکه بعضی جملات را بخوانم و رد شوم برایم کافی نبود. باید برایشان کاری می کردم تا لایه لای این ۲۹۳ صفحه گم نشوند. برای همین ترس از خط خطی شدن کتاب را کنار گذاشتم و دیگر یک مداد مشکی و یک هایلایت سبز کنار دستم بود و همزمان که پیش می رفتم بخشی از ذهنم را پیش جملات هایلایت شده جا می گذاشتم. کتاب که تمام شد برای بیشتر خواندن از نویسنده ای برزیلی که تازه کشف کرده بودم به کتابفروشی برگشتم. کینکاس بوربا را برداشتم و هر چند پشت جلد کتاب عشق را از مضامین اصلی کتاب معرفی کرده بود، اما می دانستم جملات ماشادو داسیس به فلسفه نزدیک تر استاده است تا به عشق و شاید اصلا عشق از نظر نویسنده همین اندازه فلسفی است. قرار دادم تا مسئول جدید بخش بزرگسال تشکر کنم، اما هر چه سرچ خاندن جوان را ندیدم. جای مسئول قبلی با دختری جوان پر شده بود، اما خودم می دانستم انتخاب کینکاس بوربا را هم مدیون معرفی او هستم. کتاب تازه را برداشتم و جوان را در دلم دعا کردم.

## گروگان باهوش



یک گروگان نوجوان در آمریکا، با نوشتن یادداشت های «کمکم کنید» و انداختن آنها جلوی رهگذران، موجب نجات خودش شده است. این دختر نوجوان را یک مرد ۶۱ ساله به گروگان گرفته بود. این مرد روی دختر اسلحه کشیده و او را تهدید کرده بود که اگر داد و بیداد کند، به او آسیب خواهد رساند. در ادامه، این مرد دختر را با یک ماشین به مکان دیگری می برد. در بخشی از مسیر، پیرمرد در جایی پارک کرده و دختر باهوش، با نوشتن یادداشت و انداختن آنها جلوی رهگذران، به مردم هشدار داده بود. رهگذران پلیس را در جریان گذاشتند و در نهایت، این دختر از دست این مجرم سابقه دار نجات پیدا کرد.

گریبویج

## کوری در مارا تن گریه



یک کم‌دین و اینفلوئنسر نیجریه‌ای، در یک مارا تن گریه، چنان به چشم‌هایش فشار آورد که برای نزدیک به یک ساعت ناپیدا شد. این مرد برای اینکه کوردر طولانی ترین گریه دنیا را به نام خود ثبت کند، مارا تن ۱۰۰ ساعته گریه کردن را شروع کرد. او بود اما تنها ساعت بعد از شروع این رکوردگیری، با عوارض جانبی گریه بیش از حد مواجه شد و بی‌نهایی اش را از دست داد. البته او خوش شانس بود که این حالت کمتر از یک ساعت طول کشید و دوباره چشم‌هایش بینا شد. این مرد جوان در حالی مدعی شده که می خواسته این رکورد را در کتاب گینس بشکند که گینس در توییتی گفته اصلا رکورد طولانی ترین گریه دنیا را ثبت نکرده است.

## ماهی دهان آبی



یک ماهیگیر در آمریکا، به‌صورت اتفاقی یک ماهی عجیب را صید کرده و حساسی سر و صدا به پا کرده است. جان بدن مثل همیشه در ویرجینیا ماهیگیری می کرد که ناگهان یک ماهی نسبتاً بزرگ به قلابش خورد. اما چیزی که تعجب او و بعدا مردم و کارشناسان را برانگیخت، رنگ آبی دهان این ماهی بود. خیلی زود عکس این ماهی دست به‌دست شد تا اینکه خیلی کارشناسان محیط زیست را هم جلب کرد. آنها هم رنگ دهان آبی این نوع مخصوص ماهی را بسیار نادر خواندند و گفتند که دلیل این پدیده، جهش ژنتیک در این ماهی بوده است. به جز رنگ دهان، بقیه بدن ماهی طبیعی بوده است.

دریچه

## سال ها گذشت، لبخندها پهن تر شد

مهداب خسروخانی

بخش مهمی از خاطره‌ها در عکس‌ها ابدی می شوند و مرور زمان هم نمی تواند آن خاطره‌ها را پاک کند. «سام فار» از این ویژگی استفاده کرده و از سال ۱۹۷۰ میلادی تا کنون، هر دهه، یک عکس سلفی از خود و آرایشگرش گرفته است. قیمت آنها نیز به تدریج تغییر می کنند و این نیز ویژگی دیگر این عکس‌های سلفی است.

سام فار که عکس روزنامه «فوتوژورنالیست» است، نخستین بار در سال ۱۹۷۳ میلادی، سلفی سیاه و سفیدی از خود و آرایشگرش گرفت. این عکس با دوربین رولیفلسکی گرفته شد که قیمت آن ۱۰۰ پوند بود. این قیمت برای این دوربین رقم بالایی بود. فار می گوید علت نخستین ندهاد و به همین دلیل به او «بیتل پیر» می گوید. طی این سال‌ها، مکان عکاسی ۳ بار تغییر کرده است. نیکی، دختر سام فار می گوید که احتمالا این آخرین عکاسی اوست؛ چرا



در عکس لبخند آرایشگر با افزایش صمیمیت بین این دو، بزرگ تر و شاخص تر شده است؛ علاوه بر اینکه سام فار، هر بار از دوربین جدیدی برای عکاسی استفاده کرده و عکس اخیر که در سن ۷۸ سالگی آرایشگر به ثبت رسیده با موبایل آیفون است. آرایشگر مدل موهای عکس را تغییر داده و به همین دلیل به او «بیتل پیر» می گوید. طی این سال‌ها، مکان عکاسی ۳ بار تغییر کرده است. نیکی، دختر سام فار می گوید که احتمالا این آخرین عکاسی اوست؛ چرا

زندگی پدیا

## معلم های محیط زیست می آیند



هر بچه‌ای که به محیط زیست علاقه پیدا می کند و حواس اش جمع می شود که زیاده تر از خشک جلد کند، در مصرف آب و برق صرفه جویی کند، کیسه های پارچه‌ای را جایگزین کیسه های پلاستیکی کند و... همه این کارها را یا مادر خانواده انجام داده و به فرزندش هم آموخته یا توی مدرسه معلمش گوشزد کرده که باید محیط زیست را داشته باشد. شاید برای همین است که مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست تصمیم گرفته‌اند برای حفاظت بیشتر از محیط زیست، از همکاری و مشارکت زنان و معلمان بازنشسته استفاده کنند. معاون این سازمان گفته که زنان از کشنگران اصلی محیط زیست محسوب می شوند و می توانند در خانواده و جامعه نقش مهمی را ایفا کنند. ضمن اینکه زنان در مدیریت انرژی مانند مصرف بهینه آب و برق و... مؤثر هستند و با بهرمندی از نقش آنان می توان به نتایج مؤثری در حفاظت از محیط زیست دست یافت.

الته مسئولان محیط زیست هنوز اعلام نکرده‌اند که این همکاری قرار است به چه صورت باشد و این قشر به چه شکل می توانند در این طرح مشارکت کنند. اما چیزی که مسلم است اینکه زنان و همینطور معلمان بازنشسته می توانند در ایجاد و برپایی کمپین های زیست محیطی نقش پررنگی ایفا کنند و راهنمای گروه های کوچکی باشند که برای حفاظت از محیط زندگی شان تلاش می کنند.

جهان نما

## زندگی رویایی

میلیون ها نفر در سراسر دنیا، دست کم یک بار به سرشان زده که قید و بندهای زندگی مسدودن را فراموش کنند، دارو ندارشان را بفروشند و خانوادگی سیر و سفر در دنیا را شروع کنند. پروژه معمولا در حد «ای کاش می شد» متوقف می شود و کمتری می شنویم زوجی دست بچه‌هایشان را بگیرند و به جاده بزنند. اما یک زوج در آمریکا، خرق عادت و واقعا همین کار را کرده‌اند.

مت و لئا بیور از کارشناسان استعفا داده‌اند، همه چیز را فروخته‌اند و الان حدود یک هفته است که سفر زمینی دور دنیای خود را شروع کرده‌اند. این زوج در این سفر تنها نیستند و جک و شارلوت، پسر ۳ ساله و دختر یک ساله شان را هم همراه خود دارند.

سفر در خون این خانواده است؛ این زوج در سال ۲۰۱۱ نخستین بار همگی را در لائوس دیدند. هر دو در حال سفر به دور دنیا بودند و چند سال بعد، با یکدیگر ازدواج کردند و همیشه آرزو داشتند به صورت خانوادگی به دور دنیا سفر کنند. این خانواده یک ماشین شاسی بلند و یک کاروان خریده‌اند و سفرشان را از لندن، شهری که در آن زندگی می کردند، شروع کرده‌اند. آنها در این سفر دور و دراز، طی خاورمیانه و آسیای میانه خواهند آمد و از آنجا به چین، همبالی، آسیای جنوب شرقی، آسیا پاسیفیک، آفریقا و آمریکا خواهند رفت.

آنها در این سفر که آن را «پروژه زمین وحش» می خوانند، داستان سفرشان را در وبسایت خودشان و شبکه های اجتماعی منتشر خواهند کرد.

پدر خانواده درباره این سفر گفته است: «ما تا وقتی که بچه‌ها گرفتار مدرسه شوند، زمان کمی داریم؛ بنابراین فکر کردیم اگر قرار است به صورت خانوادگی کاری متفاوت انجام دهیم، الان وقتش است.»

آنها به جز یک ماجراجویی خانوادگی، اهداف دیگری هم دارند و امیدوارند سفرشان به محافظت از حیات وحش و محیط زیست کمک کند.

مت و لئا پیش از انجام این سفر، با گروه های مختلفی در سراسر دنیا مشورت کرده‌اند تا متوجه شوند چطور می توانند به حفظ تنوع زیستی و محیط زیست کمک کنند. علاوه بر آن، آنها هدف دیگری هم از این سفر دارند. لئا در این باره گفته است: «امیدواریم که طبیعت و حمایت از دیگران بخشی از دنیای بچه‌هایمان شود، اما اینکه این سفر در آینده آنها را به کجا خواهد رساند، کاملا به خودشان ربط دارد.»

